

بررسی رابطه بین مشارکت مدنی و امنیت شهری

(مورد مطالعه: کلان شهر تهران)

سید خلیل سید علی پور،^۱ خدر فرجی راد،^۲ محمد رئیسی^۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۷/۱۶

از صفحه ۱ تا ۲۶

پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی، سال دوازدهم،
شماره چهارم (یابی چهل و هشتم)، زمستان ۱۳۹۸

چکیده

مقدمه: مشارکت اساس زندگی اجتماعی است و امنیت از ضروری ترین نیازهای جامعه بشری محسوب می شود. رشد فزاینده شهرنشینی در دهه های اخیر، شهرها را با مشکلات و چالش های تازه ای چون افزایش ناهنجاری های اجتماعی، کم رنگ شدن هویت و حس تعلق اجتماعی، مشکلات اجتماعی و محیطی، کاهش احساس امنیت شهروندان مواجه ساخته است. بدین صورت که کاهش مشارکت مدنی، افزایش ناامنی را نیز به همراه دارد. هدف از این پژوهش، بررسی رابطه بین مشارکت مدنی و امنیت شهری در کلان شهر تهران است.

روش: پژوهش حاضر از لحاظ هدف، تحقیقی کاربردی و از لحاظ روش، تحقیقی توصیفی و از نوع همبستگی است. برای انجام پژوهش، حجم نمونه از طریق فرمول مورگان تعیین و تعداد ۳۸۴ پرسشنامه تهیه و به صورت خوشه ای چندمرحله ای در مناطق ۲، ۶، ۱۰ و ۱۱ شهر تهران توزیع و با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: با وجود آنکه نتایج این تحقیق با ضریب همبستگی اسپیرمن (۰/۳۶۴) نشان از رابطه معنادار بین مشارکت مدنی و امنیت شهری در کلان شهر تهران دارد، میانگین مؤلفه های مشارکت مدنی اکثر مؤلفه ها پایین تر از حد متوسط می باشند. در واقع، تنها مشارکت همیارانه که به زعم پاتنام نوعی درگیری اتفاقی بوده با میانگین ۳/۲۲ بیشترین نوع مشارکت در میان شهروندان مشارکت کننده در پژوهش را به خود اختصاص داده است.

نتیجه گیری: بنابراین می بایست در پی راهکارهای افزایش مشارکت در سایر سطوح با اقدامات آموزشی، سیاست های تشویقی، تعامل بین پلیس و سایر نهادهای مدیریت شهری و استفاده از ظرفیت آنها در برقراری نظم و امنیت شهری بود.

کلیدواژه ها: امنیت شهری، مشارکت مدنی، مشارکت همیارانه، مشارکت انجمنی، مشارکت مذهبی، مشارکت خیریه ای.

۱- استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی، تهران، ایران.

۲- استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی، تهران، ایران.

۳- دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). racisimohamad66@gmail.com

امنیت از مهم‌ترین نیازهای بشری و دارای مراتب و ابعاد قابل تأمینی است که هر یک برحسب نوع و موضوع و محتوای معرفت‌شناختی وابسته به آن می‌تواند ابعاد گوناگونی به خود بگیرد؛ درواقع، امنیت به‌واسطه ساخت و نوع رویکرد به حوزه اجتماع، انواع گوناگونی دارد، ولی درهرصورت با آرامش و آسایش افراد و نداشتن بیم و هراس از تهدیدهای موجود و احتمالی در جامعه ارتباط پیدا می‌کند. بر این اساس، سطح امنیت در ابعاد مختلف آن پدیده‌ای خارج از مرزهای ملی یا جوامع نیست، بلکه عمدتاً عوامل تولید امنیت را باید در درون جوامع و در سازوکار نظام‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جستجو کرد (کارگر و سرور، ۱۳۹۰: ۳۰)؛ بنابراین وجود محیطی امن برای زندگی در کنار سایر نیازهای اساسی فیزیولوژیکی انسان مانند غذا، سرپناه و بهداشت از ضروریات زندگی انسان هستند. ارضا نشدن نیاز به امنیت در فضاهای جمعی، نه تنها انسان را از رسیدن به نیازهای رده بالاتر همچون خودشکوفایی، زیباشناختی، دانستن و فهمیدن باز می‌دارد، بلکه کاهش تعامل‌های اجتماعی و درنهایت خالی ماندن فضای عمومی را در پی دارد (اکبری و پاک‌نیان، ۱۳۹۱: ۵۴)؛ بنابراین فضاهای شهری به‌عنوان بستر زندگی و فعالیت شهروندان باید بتوانند با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های میان افراد و گروه‌های سنی و اجتماعی، جنسی، محیطی امن، سالم و پایدار و جذاب را برای همه افراد فراهم کند و به نیاز تمامی قشرهای اجتماعی پاسخ مناسب بدهند و پاسخگوی حداقل نیازها باشد (شریعتی، ۱۳۸۴: ۱۰).

حال آنکه که همراه با مهاجرت گروه‌های انسانی از محیط‌های روستایی و نواحی کم‌برخوردار به‌سوی شهرها و نواحی برخوردار از امکانات و خدمات گوناگون شهرها و به‌ویژه کلان‌شهرها با افزایش بی‌رویه جمعیت و تورم انسانی مواجه شده‌اند (کارگر، ۱۳۸۶: ۱۴۰). از این‌رو، در دهه‌های اخیر، شهرها را با مشکلات و چالش‌های تازه‌ای چون افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی، کم‌رنگ شدن هویت و حس تعلق اجتماعی، مشکلات اجتماعی و محیطی، کاهش احساس امنیت شهروندان و... مواجه ساخته است. درواقع، محیط‌های نامطلوب شهری باعث به‌وجود آمدن مشکل برای امنیت و افزایش آسیب اجتماعی شهروندان شده و با افزایش آسیب اجتماعی، مردم در تعامل‌های خود محتاطانه عمل می‌کنند و با هر اتفاقی، ترس و دلهره آنان بیشتر می‌شود. این امر موجب

منفعل شدن مردم در زمین تعامل و مشارکت در امور شهری می‌شود (دی و استامپ،^۱ ۲۰۰۳: ۳۱۱).

همانند آنچه امروزه شهر تهران بالغ بر دوازده میلیون و پانصد هزار نفر جمعیت دارد، از نظر آسیب‌شناسی امنیتی، این تراکم و انبوهی جمعیت به‌خودی‌خود ناپایداری امنیتی بالقوه و شدیدی ایجاد می‌کند؛ زیرا به‌طور کلی، کلان‌شهرها زمینه‌ساز انحرافات و نابهنجاری‌های اجتماعی هستند. تمرکز و انبوهی جمعیت، نرخ بالای مهاجرت و جمعیت‌های ناهمگون به حاشیه‌نشینی، تضعیف روابط خانوادگی و خویشاوندی و ضعیف بودن قیدوبندهای رسمی، تقابل سنت و تجدد که از ویژگی‌های ذاتی زندگی کلان‌شهری است، می‌انجامد و زمینه انحرافات اجتماعی را فراهم می‌آورد (احمدی، ۱۳۸۰: ۱۳۸)؛ بنابراین علی‌رغم آنکه کلان‌شهرها کانون برترین ارزش‌های فرهنگ معنوی و مادی کشور می‌باشند و سهم بسزایی در توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور دارند، طیف گسترده‌ای از مسائل امنیت‌ستیز اجتماعی از قبیل افزایش و هجوم فزاینده جمعیت، گسترش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و پیامدهای فضایی آن، یعنی جدایی‌گزینی، کمبود عدالت اجتماعی، انجام بزهکاری‌ها، جرائم، تبهکاری‌ها و نابهنجاری‌های اخلاقی، اعتیاد، دزدی و بسیاری از آسیب‌های اجتماعی دیگر نیز هستند. بدیهی است که حکومت‌ها به‌تنهایی و بدون اتکا به مردم قادر به اداره امور جامعه نخواهند بود. درواقع؛ تنها بخشی از فعالیت‌های مرتبط با زندگی شهری توسط فرایندها و روابط رسمی تعیین می‌گردد، اما بسیاری از آن‌ها در تولید، مبادلات، تصمیم‌گیری و... از طریق روابط غیررسمی انجام می‌شود. در چنین شرایطی عدم حضور و دخالت شهرنشینان در جامعه مدنی و عدم همکاری با دولت‌ها زمینه را برای تشدید مسائل و مشکلات شهری فراهم خواهد کرد. بدین ترتیب که بی‌تفاوتی مدنی نسبت به اطرافیان، پیامدهایی نظیر احساس ناامنی و کاهش امنیت شهری را به همراه دارد؛ بنابراین مسئله اساسی تحقیق حاضر این است که چه ارتباطی بین مشارکت مدنی و امنیت شهری در کلان‌شهر تهران وجود دارد؟



پیشینه و مبانی نظری

پیشینه پژوهش

از جمله پژوهش‌های مرتبط با موضوع می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

عبدی و دیگران (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان «رابطه حاشیه‌نشینی با تهدیدات امنیت ملی: نقش واسطه‌ای حس تعلق مکانی (مورد مطالعه: ماهدشت کرج)» به این نتیجه می‌رسند که با افزایش حس تعلق مکانی از طریق مجموعه‌ای از اقدامات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، بهسازی، نوسازی بافت مسکونی و مشارکت مردم این نواحی می‌توان امنیت اجتماعی این شهر را بهبود بخشید.

نعیمی و دیگران (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان «تبیین رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت در شهر مرزی مریوان» به این نتیجه می‌رسند که اعتماد به کنشگران سیاسی و اعتماد تعمیم‌یافته رابطه معناداری با احساس امنیت دارد. از این رو، ترمیم و بازسازی این نوع از اعتماد تضعیف شده می‌تواند زمینه نظم و امنیت اجتماعی منفی و تضعیف نظام سیاسی را کاهش دهد.

سهراب‌زاده و دیگران (۱۳۹۶)، در تحقیقی با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی رابطه بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان شهر تبریز» به این نتیجه می‌رسند که همبستگی بین سرمایه اجتماعی در تمامی شاخص‌های چهارگانه (حمایت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی) با احساس امنیت اجتماعی زنان به تأیید رسید؛ بنابراین وجود میزان چشمگیری از سرمایه اجتماعی موجب تسهیل کنش‌های اجتماعی گشته و به مراتب احساس امنیت اجتماعی در بین زنان را بهتر و بالاتر خواهد برد.

خلف‌خانی و شاه‌صاحبی (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی مبتنی بر نهادگرایی نوین در ایجاد نظم اجتماعی پایدار» به این نتیجه دست یافتند که تغییر نگرش حاکمان سیاسی بر نحوه ایجاد نظم و امنیت و انتقال مدیریت بخش‌هایی از خدمات اجتماعی و سیاسی و مدیریت محلی و امکان تصویب قوانین، نظارت و اجرا در حوزه جغرافیایی محدود و نامحدود در فضای قلمرو یک کشور موجب افزایش اعتماد متقابل دولت و ملت، ثبات سیاسی، مشارکت اجتماعی، تنش‌زدایی،

کارآمدی، رضایت اجتماعی، کاهش هزینه‌های معنوی و مادی حاکمیت در ایجاد نظم و امنیت خواهد شد.

گروسی (۱۳۹۱)، در تحقیقی با عنوان «سرمایه اجتماعی پلیس و احساس امنیت ارائه راهبردهایی برای ارتقاء احساس امنیت اجتماعی شهروندان» نشان می‌دهد که همه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی پلیس، یعنی اعتماد به پلیس، مشارکت با پلیس و آگاهی نسبت به پلیس با احساس امنیت اجتماعی در شهروندان رابطه مثبت و معناداری داشتند. همچنین این مؤلفه‌ها توانستند احساس امنیت اجتماعی را در شهروندان پیش‌بینی کنند؛ بنابراین می‌توان با افزایش سرمایه اجتماعی احساس امنیت را در شهروندان ارتقاء داد.

مبانی نظری

مشارکت مدنی^۱:

«مشارکت» از نظر لغوی بر وزن «مفاعلت» به معنای شرکت دوجانبه و متقابل افراد برای انجام امری است. فرهنگ انگلیسی آکسفورد مشارکت را «کنش یا واقعیت شرکت داشتن و سهم داشتن» معنی کرده است. اصطلاح مشارکت را آلن بیرو^۲ به معنای «سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و با آن همکاری داشتن» تعریف کرده است (بیرو، ۱۳۶۶: ۲۵۷).

مراجع مختلف علمی و اجرایی برحسب نوع نگرش خود تعریف‌های متفاوتی از مشارکت ارائه کرده‌اند. آن دسته از مراجع که مشارکت را به‌عنوان ابزار تلقی می‌کنند از جمله سازمان ملل، برنامه توسعه سازمان و بانک جهانی، آن را وسیله‌ای برای رشد و آگاهی‌های اجتماعی و تشویق ملل (UNDP) در فعالیت‌های محلی به شمار می‌آورند و هدف این است که ساختار تصمیم‌گیری محلی باید مداخله مردم را در موضوعاتی که به‌طور مستقیم با نیازهای آنان مرتبط است، تشویق و تسهیل کند. گروه دیگر، مشارکت را به‌عنوان هدف تلقی می‌کنند و معتقدند که مشارکت به مجموعه روش‌ها و فرایندها، نگرش‌ها و فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که منجر به افزایش توانایی‌های مردم می‌شود و

۱ - Civil Participation

۲ - Allen Birro



آن‌ها را در کنترل عوامل تأثیرگذار بر محیط یاری می‌کند (دارابی، ۱۳۸۷: ۷۵۴).

دیدگاه‌های مربوط به مشارکت مدنی غالباً بر ارزش‌های انجمن، مشارکت و به‌هم‌پیوستگی و نیز بر پتانسیل عمل جمعی تمرکز دارند (چلبی و امیرکافی، ۱۳۸۳: ۳۱). طرح مفهوم مشارکت مدنی در نزد اندیشمندان متأخر متناسب با قدرت نفوذ و کارکردهای آن رشد فزاینده‌ای به خود گرفته است؛ چنانکه دانیل لرنر از جامعه جدید به‌عنوان جامعه مشارکتی نام می‌برد (لرنر،^۱ ۱۹۶۴: ۷۴).

به نظر اینگلهارت،^۲ متغیرهای تحویلات رسمی، موقعیت اجتماعی-اقتصادی، سطوح مهارت و اطلاعات، مهارت‌های ارتباطی، تجربه‌های شغلی، شبکه‌های سازمانی، تقلیل تفاوت‌های جنسی در وظایف اجتماعی و سیاسی بر افزایش مشارکت تأثیر گذاشته‌اند.

الکسی دوتوکویل^۳ به تأثیر متقابل مشارکت‌های عمومی و سرمایه اجتماعی تأکید نموده است. به نظر وی، مخالفت با مشارکت مدنی یا شهری به دنبال منفعت‌های خصوصی شکل می‌گیرد و فرو رفتن در بازارهای مالی و اقتصادی و منفعت‌های شخصی باعث جدایی فرد از برخی جنبه‌های زندگی اجتماعی می‌شود. متقابلاً، شرکت در مشارکت‌های عمومی فرد را از انزوای اجتماعی خارج ساخته و به‌سوی منافع همگانی می‌کشانند و این امر موجب ارتقاء سرمایه اجتماعی می‌گردد (برتون،^۴ ۱۹۹۷: ۵).

مولیناس با بهره‌گیری از اندیشه کلمن^۵ معتقد است با افزایش سرمایه اجتماعی در یک جامعه مشارکت اجتماعی بسط و گسترش می‌یابد و سرمایه اجتماعی را یک نوع خیر همگانی می‌دانند. به نظر وی، سرمایه اجتماعی محصول فعالیت‌های اجتماعی و شبکه‌های عمیق تعاملی است که اعضای جامعه را به همکاری، تعاون و مشارکت ترغیب می‌کند (مولیناس،^۶ ۱۹۹۸: ۴۱۶). در این رویکرد، عوامل تأثیرگذار بر فرایند مشارکت به‌خصوص در شکل سازمانی آن عمدتاً در مقیاس‌های خرد و میانی مطرح هستند.

۱ - Lerner

۲ - Ingelhart

۳ - Alexis de Tocqueville

۴ - Breton

۵ - Coleman

۶ - Molinas

لیپست^۱ درصد تبیین پدیده شرکت یا عدم شرکت اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی را بر اساس چندین عامل کلی اجتماعی در فرایندهای سیاسی و اجتماعی نظیر انتخابات، انجمن‌ها، سندیکاها، کارگری، شوراهای محلی و نظایر آن است. وی با تبیین الگوی شرکت در انتخابات میان کشورهای مختلف (آلمان، سوئد، آمریکا، نروژ، فنلاند و ...) این الگو را در کشورهای مذکور کم‌وبیش یکسان می‌بیند؛ به این معنا که در کلیه این کشورها میزان مشارکت در فرایندهای اجتماعی در میان مردان، گروه‌های تحصیل کرده، متأهلین، شهرنشینان، افراد میان‌سال و نیز افراد دارای منزلت و همچنین اعضای سازمان‌ها، احزاب، سندیکاها و شوراهای بیشتر است (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۷۲).

در مدل رابرت دال^۲ اگرچه عواملی مشارکت سیاسی طراحی شده‌اند ولی این عوامل منحصر به مشارکت سیاسی نمی‌شوند و مدل دال قابل‌تعمیم به سایر صورت‌های مشارکت نیز است. به نظر او عوامل زیر بر مشارکت تأثیر مستقیم دارند که در صورت بروز و تحقق آن‌ها ظهور مشارکت را موجب می‌شوند:

- فرد برای پاداش‌های حاصله از مشارکت ارزش بالایی قائل باشد.
- مکانیسم مشارکت را در نیل به هدف در قیاس با سایر مکانیسم‌ها مؤثرتر بداند.
- نسبت به دستیابی به نتایج اطمینان لازم را داشته باشد.
- برای مشارکت از دانش و مهارت کافی برخوردار باشد.
- در ورود به مشارکت و در جریان مشارکت خود را مواجه با مشکلات و موانع زیاد نبیند؛ زیرا وقتی فرد از فعالیتی انتظار دریافت پاداش کلان را داشته باشد راغب خواهد بود که بر مشکلات موجود غلبه کند و حتی هزینه‌های آن را تحمل کند، ولی وقتی که ببیند یا معتقد باشد پاداش‌ها ناچیز بوده یا اصلاً وجود خارجی ندارند کافی است معمولی‌ترین موانع و هزینه‌ها او را مأیوس و از عمل کردن بازدارند (دال، ۱۳۶۴: ۴۰-۳۵).

۱ - Lipset

۲ - Robert dal



هئوین گائوتری که از همکاران یونسکو در زمینه مشارکت است معتقد است فرایند مشارکت خود موضوعی اجتماعی و مدنی است؛ زیرا تلاش برای مشارکت مستلزم تغییر حالت ذهنی و روانی در همه سطوح است (گائوتری،^۱ ۱۹۸۶: ۱۱). به نظر گائوتری، برای تحقق مشارکت هم باید اراده سیاسی دولت، اسناد قانونی و نهادهای اجتماعی متناسب وجود داشته باشند و هم باید مشارکت‌کنندگان شرایط لازم را داشته باشند. در نظر وی بی‌سوادی و فقدان اطلاعات، موانع زبانی و فرهنگی، بدبینی فرد در خصوص کارایی مشارکت، کمبود وقت و نیز عدم آمادگی مسئولان دولتی جهت گفتگو و پذیرش اظهارنظر مردم از عوامل عدم مشارکت محسوب می‌شوند (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۹۰)؛ اما توسعه تئوری مشارکت مدنی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اتصالی و فراگیر بیش از هر چیز وامدار مطالعات پژوهشی رابرت پاتنام است. پاتنام، روابط اجتماعی افراد و تعاملات آنان با یکدیگر را بنیادی‌ترین جزء سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند و شبکه‌ها را به‌عنوان خاستگاه هنجارهای اعتماد و همیاری مطرح می‌سازد. از نظر پاتنام، اشکال مشارکت مدنی (داوطلبانه) را می‌توان به دو صورت زیر مورد مطالعه قرار داد: نخست، نهادی (انجمنی) که دربرگیرنده عضویت در سازمان‌ها، انجمن‌ها و کلوپ‌ها (باشگاه‌ها) با فعالیت‌های برنامه‌ریزی‌شده در یک زمان و مکان مشخص است و دوم، مشارکت غیررسمی که خود دربرگیرنده دو نوع است: درگیری اتفاقی؛ شامل مشارکت در فعالیت‌های گروهی با فواصل نامنظم، مثل همکاری با خیریه‌هایی که در جهت کمک به محرومین و افراد خاص تشکیل می‌شود و مشارکت پایدار؛ شامل مشارکت قاعده‌مند و فعالیت در گروه‌هایی است که به‌صورت مؤسسه و سازمان نیستند ولی نسبتاً دائمی و همیشگی‌اند (پاتنام، ۱۳۸۴: ۲۹۷-۲۹۶).

دغدغه اصلی پاتنام، تحلیل زوال و کاهش مشارکت‌های مدنی و ارتباطات اجتماعی در جوامع معاصر است. از نظر پاتنام، ثبات ساکنان در تبیین پیوندهای اجتماعی افراد با یکدیگر عامل کلیدی محسوب می‌شود. به‌زعم وی، اقامت طولانی و مالکیت منزل مسکونی، شناخت همسایه‌ها را از یکدیگر بیشتر می‌کند، تعداد دوستان را در همسایگی افزایش می‌دهد و مشارکت در رخدادهای محلی را تقویت می‌کند. در مقابل تحرک ساکنان، موجب اختلال در شبکه روابط اجتماعی می‌شود. افراد در اجتماعات بی‌ثبات فرصت کمتری

۱ - Gaotri

برای تماس‌های اجتماعی دارند. به دلیل آگاهی از شرایط متغیر و آگاهی از این امر که دوستی‌ها دوام زیادی نخواهد داشت، آن‌ها تمایل و انگیزه‌ای برای ایجاد دوستی‌های محلی از خود نشان نمی‌دهند. پاتنام هم‌چنین به عوامل زیر اشاره نموده است: تأثیر محدودیت‌های زمانی و فشارهای اقتصادی، به‌ویژه بر خانواده‌هایی که والدین هر دو شاغل‌اند، میزان حضور زنان در نیروی کار، حاشیه‌نشینی و پراکندگی شهر، تأثیر سرگرمی‌های الکترونیکی و از همه بیشتر تلویزیون در خصوصی کردن اوقات فراغت، تغییرات نسلی، کاهش میزان ازدواج، افزایش نرخ طلاق، کاهش نرخ دستمزد واقعی و غیره. به‌زعم پاتنام، متأهلین و والدین در خانواده‌های طبقه متوسط، معمولاً به لحاظ اجتماعی بیشتر از دیگران مشارکت دارند (پاتنام،^۱ ۲۰۰۱: ۴۵)، اعتماد را مقوم مشارکت مدنی دانسته و معتقد است که آنچه باعث میزان بالای مشارکت می‌شود اعتمادی است که در قالب همکاری‌های اجتماعی و تعاونی ایجاد می‌شود (جود،^۲ ۲۰۰۳: ۶۶).

امنیت شهری^۳:

امنیت^۴ واژه عربی از ریشه «امن» است. در فرهنگ آکسفورد، (Security) به «در حفظ بودن، فراغت از خطر یا اضطراب و تشویش» و (Safety) «وضعیت در امان بودن، وضعیت بی‌خطر بودن، توانایی برای حفظ سلامتی» معنی شده است. باوجود اشاره به اقدامات پیشگیری برای تضمین امنیت در معنی (Security) تفاوت فاحشی بین این دو واژه لاتین دیده نمی‌شود (رفیعیان و خدایی، ۱۳۸۹: ۱۷۰). به‌طور کلی می‌توان گفت:

- امنیت یک حق بنیادین انسانی است؛

- امنیت پیش‌نیازی برای ابقا و ارتقای رفاه و سلامت مردم است؛

- امنیت حالتی است که در آن شرایط و خطراتی که منجر به صدمات فیزیکی، روانی یا جسمی می‌شوند، کنترل شده تا سلامت و رفاه اشخاص را حفظ کنند؛

۱ - Putnam

۲ - Judg

۳ - urban security

۴ - security



- امنیت یک منبع ضروری برای زندگی هر روزه، برآوردن نیازهای اشخاص و جوامع در راستای ارتقای اشتیاق و آمال عمومی مردم است (ضابطیان، ۱۳۸۷: ۱۳).

در ماده هشتم اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه ۱۹۷۳ آمده است، امنیت عبارت از حمایتی که جامعه به هر یک از افراد و اعضای خود برای حفظ جان، حقوق و دارایی، آن‌ها اعطاء کرده است (محبوبی‌منش، ۱۳۸۵: ۶).

در تبیین مفهوم امنیت، دو بعد متمایز از هم را باید در نظر گرفت. یکی، بعد «عینی»^۱ است که پارامترهای عینی محیطی و رفتاری مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و دیگری، بعد «ذهنی»^۲ است که بر اساس احساس امنیت از جمع درک می‌شود؛ بنابراین تفاوت ایمنی با امنیت را نیز می‌توان در این مقوله جستجو کرد که ایمنی بیشتر به سلامت جسمانی انسان و جلوگیری از تهدیدهایی اطلاق می‌شود که می‌تواند سلامت فیزیکی انسان را به خطر اندازد. درواقع، مسائل ملموس و امنیت بیرونی را شامل می‌شود؛ درحالی‌که امنیت بیشتر جنبه ذهنی و روانی دارد؛ باید به دنبال این باشیم که چه چیزی باعث ایجاد حس امنیت در جامعه می‌شود و چگونه می‌توان آن را تقویت کرد (پاکزاد، ۱۳۸۱: ۱). بر این اساس، امنیت شهری یعنی داشتن آرامش، اطمینان خاطر و نبود هراس شهروندان از هرگونه خطر و تهدید علیه شهروندان، شهر، فضاهای شهری، کالبد و زیرساخت‌های شهری و سایر عناصری که در زندگی شهری احساس ناامنی را در شهروندان موجب می‌شود. بنا بر تعریف ارائه شده فوق، نقش امنیت در فضاهای عمومی شهری بیشتر آشکار می‌شود (رفیعیان و خدایی، ۱۳۸۹: ۱۸۰)؛ چراکه فضاهای عمومی شهری به‌عنوان بخش کالبدی و محیطی عرصه عمومی که تجلی کالبدی این عرصه محسوب می‌شوند، در تعامل نزدیکی با موضوع امنیت قرار دارند (ملکی و دیگران، ۱۳۹۵: ۴). درواقع، یک فضای شهری مناسب تا حد زیادی تأمین‌کننده امنیت و فضای نامناسب از بین برنده آن و زمینه‌ساز انواع آسیب‌ها و معضلات اجتماعی است (ثناگر دربانی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲).

۱ - Objective

۲ - Subjective

فضای شهری که دربرگیرنده فضای انسان‌ساخت است جهت برقراری روابط اجتماعی یا عاطفی (رابطه دوستی، خویشاوندی و رابطه همسایگی) یا عقلانی (که در جستجوی به حداکثر رساندن شانس افراد در رسیدن به هدفی است) و یا سنتی است (بر مبنای سنت‌ها و اعتقادات شکل می‌گیرد). این روابط اجتماعی در یک ارگانیزم زنده‌ای به نام «شهر» که خود از فضاهای مختلفی از جمله خیابان، پارک، محله و... تشکیل شده است، شکل می‌گیرد؛ بنابراین زندگی اجتماعی در فضا و زمان واقع شده و توسط آن محدود می‌شود. در مجموع، انسان و محیطی که در آن زندگی می‌کند کلیتی تفکیک‌ناپذیر از یکدیگر می‌باشند که این محیط، فضا و عرصه اجرای کارکردهای اجتماعی بوده و بسیاری از تعاملات اجتماعی در آن صورت می‌پذیرد، برای تداوم و بقای این تعاملات و حضور فعال مردم در این فضاها وجود امنیت به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین نیازها به شمار می‌آید. وقتی باب سخن در خصوص امنیت انسان‌ها است، خواسته یا ناخواسته عامل مکانی و محیطی بر آن مترتب بوده و ویژگی‌های مختلف مکانی و محیطی بر آن تأثیرگذار و از آن تأثیرپذیر خواهند بود؛ چرا که تلاش انسان در حفظ و ادامه حیات، انجام فعالیت‌ها جهت برآوردن احتیاجاتش در عاملی به نام مکان صورت گرفته و از ویژگی‌های آن در راستای منافع خود بهره‌مند می‌شود؛ بنابراین عدم رضایت شهروندان از محیط زندگی‌شان می‌تواند واکنش‌های مختلفی را دنبال داشته باشد. نخستین واکنش، تلاش برای تغییر محیط به‌منظور ایجاد تناسب بین ویژگی‌های محیطی و نیاز عینی با ایدئال ذهنی مختص است. دومین واکنش، انطباق یا سازگاری با محیط است؛ اما واکنش دیگر که در پی کاهش تعلق مکانی شکل می‌گیرد، گسست از محیط است. این واکنش نوعی پشت کردن و «نه» گفتن به شرایط محیط زندگی آن‌ها است. نمی‌توان مردم را به‌طور عام از طریق محیط به انجام کاری واداشت، بلکه تنها می‌توان امکان بروز برخی رفتارها را کم یا زیاد کرد. محیط ناامن ممکن است فردا به محیطی امن تبدیل شود؛ بنابراین پیش از آنکه ایده‌های طراحانه برای حل این معضل به کار آید، باید سطح فرهنگ استفاده‌کنندگان از فضا را ارتقاء داد (رضازاده، ۱۳۸۲: ۱۲-۱۱). لذا دستیابی به شاخص‌هایی به‌منظور سنجش احساس امنیت شهروندان در استفاده از فضاهای عمومی شهری که با سطح رضایت ذهنی و احساس آرامش آن‌ها در ارتباط باشد، اهمیت می‌یابد.

چارچوب نظری

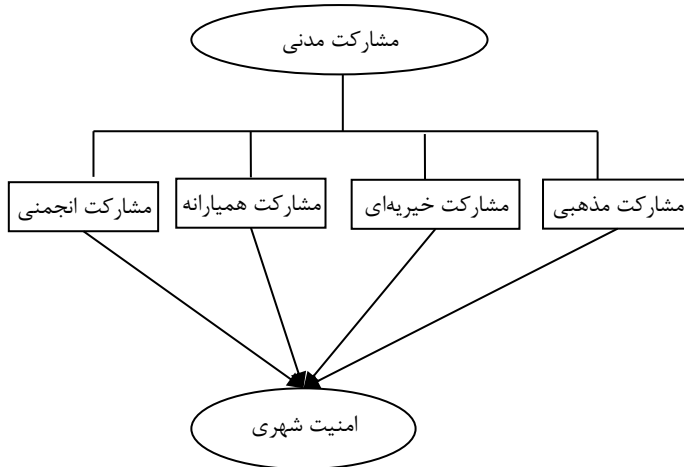
با تأسی از مبانی نظری و منابع موجود، مشارکت مدنی در ابعاد ۱- مشارکت انجمنی (همکاری عادی یا عضویت در انجمن‌های علمی و تخصصی، اولیاء و مربیان، ادبی، هنری و موسیقی، اسلامی، باشگاه ورزشی یا تفریحی، شورای صنفی، حزب و تشکل سیاسی و هلال احمر، ۲- مشارکت خیریه‌ای (کمک به مردمان آسیب‌دیده، سالمندان و معلولان، صدقه به نیازمندان، جشن نیکوکاری، طرح تکریم ایتم)، ۳- مشارکت مذهبی (حضور فرد در فعالیتهای مذهبی و دینی) و ۴- مشارکت همیارانه (قرض دادن وسایل خانه و پول به همسایگان و دوستان، مراقبت از خانه همسایگان در زمان مسافرت، ضمانت مالی آنان، در اختیار گذاشتن خانه برای برپایی مراسم عزاداری و یا عروسی، مراقبت از کودک و سالمند همسایه) مفهوم‌سازی و در سطح ترتیبی عملیاتی شده است. از سوی دیگر، فضاهای شهری خود وسیله‌ای برای برقراری ارتباطات اجتماعی است که افراد از طریق آن، اطلاعات، ارزش‌ها، احساسات یا رفتار موردنظر را به یکدیگر انتقال می‌دهند. ظاهر محیط‌های شهری و عوامل متحرک آن - خاصه مردم و فعالیت‌های آن - استفاده‌کنندگان از فضا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. چگونگی قرارگیری این فضاها می‌تواند به‌طور خواسته و یا ناخواسته بر رفتار انسان‌ها تأثیرگذار باشد. امروزه، احساس ناامنی شهروندان ریشه در درون شهرها دارد. در این میان، قسمت عمده ناامنی شهرها به فرم کالبدی شهر و شکل ساختمان‌ها و بناهای شهری مرتبط است. فضاهای عمومی شهری که عموم مردم در آن حضور دارند بیش از مکان‌های دیگر نیازمند امنیت چه از لحاظ کالبدی و کارکردی است (رفیعیان و خدایی، ۱۳۸۹: ۱۹۰)؛ بنابراین معیارهای شناخت و تحلیل امنیت در پهنه شهر متفاوت است و با توجه به مؤلفه‌های کالبدی، کارکردی و محیطی نوسان پیدا می‌کند.

– در شاخص‌های کالبدی (مکانی)؛ فضای عمومی به‌عنوان یکی از مکان‌هایی است که گروه‌های زیادی از مردم را به خود راه می‌دهد؛ در نتیجه باید شرایط مناسبی را برای استفاده‌کنندگان مهیا کند که علاوه بر داشتن ایمنی کالبدی، امنیت روانی را به وجود آورد. المان‌های استفاده شده در این محیط‌ها با توجه به نوع، چگونگی، وضعیت قرارگیری و... می‌توانند تأثیرگذارترین محیط را برای شهروند مهیا نمایند.

- شاخص‌های کارکردی _ عملکردی؛ زمانی که یک فضای عمومی راحت خودش را به‌خوبی نمایان می‌کند و تصویر خوبی هم دارد، ابزاری جهت موفقیت و کارایی این فضا محسوب می‌شوند. راحتی شامل ادراک در مورد امنیت، پاکیزگی و موجود بودن (فراهم بودن) می‌شود. عدم مکان‌یابی مناسب فعالیت‌های مختلف در کنار یکدیگر که گاهی به‌صورت ناسازگار در کنار هم واقع می‌شوند، می‌توانند سبب بروز اغتشاش و اختلال فعالیت‌ها شود.
- شاخص‌های رفتاری، محیطی (ذهنی)؛ عدم رضایت شهروندان از محیط زندگی‌شان می‌تواند واکنش‌های مختلفی را به دنبال داشته باشد. نخستین واکنش، تلاش برای تغییر محیط به‌منظور ایجاد تناسب بین ویژگی‌های محیطی و نیاز عینی یا ایدئال ذهنی مختص است. دومین واکنش، انطباق یا سازگاری با محیط است؛ اما واکنش دیگر که در پی کاهش تعلق مکانی شکل می‌گیرد، گسست از محیط است. این واکنش نوعی پشت کردن و «نه» گفتن به شرایط محیط زندگی وی است (رضازاده، ۱۳۸۲: ۱۱۳-۱۱۱).
- بنابراین، با توجه به شاخص‌های امنیت در سه شاخه کارکرد، کالبد و محیط، مؤلفه‌های ذیل به‌عنوان شاخص‌های امنیت شهری موردتوجه قرار می‌گیرد.
- جاذب بودن محیط: توجه به ایجاد و ارتقای قابلیت جذب شهروندان در فضای عمومی با استفاده از عوامل ذهنی و محیطی تأثیرگذار از جمله مسائلی است که ضرورت دارد موردتوجه برنامه‌ریزان و طراحان حوزه‌های شهری قرار گیرد.
- آشنا بودن فضا و شهرت آن: از جمله مباحث مطرح شده در خصوص دو بعد اجتماعی و کالبدی امنیت درکی فضای شهری، می‌توان به مؤلفه‌های «آشنا بودن» و «شهرت» محیط اشاره کرد.
- تراکم جمعیت: فضاهای متراکم از انبوه جمعیت ناآشنا و غریبه، محیط مساعدی را برای تخطی از قواعد و هنجارهای شهری فراهم کرده و زمینه جرم را به وجود می‌آورد.
- حس تعلق: تجربه‌های مثبت و وقایع و رخدادهایی خاص و خاطرات، همگی در ایجاد تعلق مکانی مؤثرند. ارزیابی مثبت نیز در ایجاد تعلق مکانی تأثیر دارد.



بنابراین، با استنباط از نظریه‌ها مذکور می‌توان مدل مفهومی و نظری تحقیق ارتباط بین این دو متغیر را به شرح زیر ترسیم نمود:



نمودار ۱: مدل مفهومی رابطه بین مشارکت مدنی و امنیت شهری در کلان‌شهر تهران

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، تحقیقی کاربردی و از لحاظ روش، تحقیقی توصیفی و از نوع همبستگی است. همچنین، با توجه به اینکه پژوهش حاضر در طی یک زمان نسبتاً کوتاه صورت گرفته، از نوع مقطعی است. از نظر جمع‌آوری داده‌ها، از نوع میدانی است جامعه آماری در این تحقیق، کلیه شهروندان کلان‌شهر تهران است. البته به دلیل اینکه جامعه بزرگ بوده و به دلیل محدودیت در زمان و هزینه، از بین افراد جامعه تعداد مشخصی به‌عنوان نمونه برگزیده شدند که با استفاده از جدول مورگان تعداد حجم آماری ۳۸۴ نفر محاسبه شد. ویژگی جامعه آماری این افراد، شهروندان بالای ۱۸ سال در کلان‌شهر تهران است. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. در مرحله اول، چهار منطقه به صورت تصادفی انتخاب شدند. مناطق ۲، ۶، ۱۰ و ۱۱ با توجه به ویژگی‌های منطقه‌ای و همچنین سهولت در دسترسی برای جمع‌آوری داده‌ها مورد انتخاب قرار گرفتند. در مرحله دوم، در هر منطقه،

محلله‌هایی گزینش شدند که پرسشنامه‌ها در سرای محله آن محله توزیع شد که در مجموع، ۳۸۴ پرسشنامه اخذ شد.

یافته‌های پژوهش

الف - یافته‌های توصیفی:

در این قسمت به بافت جمعیت‌شناختی جامعه آماری مورد نظر پرداخته شده است.

جدول ۱: مشخصات فردی پاسخ‌گویان

جنس	تعداد	درصد	تخصصیات	تعداد	درصد	سن	تعداد	درصد	شغل	تعداد	درصد	مسکن	تعداد	درصد	قومیت	تعداد	درصد
زن	۱۱۵	۳۱/۱	زیر دیپلم	۲۰	۵/۴	۲۰ تا ۳۰	۱۱۸	۳۱/۹	آزاد	۱۱۶	۳۱/۴	شخصی	۱۹۷	۵۳/۲	فارس	۲۴۶	۶۴/۵
مرد	۲۵۵	۶۸/۹	دیپلم	۵۶	۱۵/۱	۳۱ تا ۴۰	۱۷۹	۴۸/۴	دولتی	۱۱۰	۲۹/۷	استیجاری	۱۴۹	۴۰/۳	ترک	۷۷	۲۰/۸
کارדانی	۳۸	۱۰/۳	۴۱ تا ۵۰	۴۴	۱۱/۹	بیکار	۷۸	۲۱/۱	سازمانی	۹	۲/۴	کرد	۲۰	۵/۴			
کارشناسی	۱۶۱	۴۳/۵	بالتر از ۵۱	۲۹	۷/۸	سایر	۵۴	۱۴/۶	باز	۱۵	۴/۱	لر	۶	۱/۶			
کارشناسی ارشد	۹۵	۲۵/۷	بی‌پاسخ	۱۲	۳/۲	طالبی	۵	۱/۴									
جمع	۳۵۴	۹۵/۷															
بی‌پاسخ	۱۶	۴/۳															

جدول ۲: یافته‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های مشارکت مدنی

مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار
مشارکت خیریه‌ای	۲/۰۸۷۴	۰/۸۷۱۳۸
مشارکت مذهبی	۲/۴۹۹۰	۰/۹۷۸۶۷
مشارکت همیارانه	۳/۲۲۹۷	۱/۰۱۶۲۷
مشارکت انجمنی	۲/۱۸۹۳	۰/۸۹۰۵۵
مشارکت مدنی کل	۲/۳۸۶۱	۰/۶۹۸۱



همان‌طور که نتایج جدول بالا نشان می‌دهد، میانگین مشارکت خیریه‌ای ۲/۰۸، میانگین و مشارکت مذهبی ۲/۴۹، میانگین مشارکت همیارانه ۳/۲۲، میانگین مشارکت انجمنی ۲/۱۸ و میانگین نمره کل مشارکت مدنی برابر ۲/۳۸ است که همگی (اکثر مؤلفه‌ها پایین‌تر از حد متوسط) می‌باشند.

جدول ۳: یافته‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های امنیت شهری

مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار
جاذبه‌های محیط شهری	۲/۵۲۳۲	۰/۶۸۹۰۳
تراکم جمعیتی	۳/۵۸۵۵	۰/۶۴۶۰۲
حس تعلق	۳/۲۵۰۳	۰/۷۷۸۲۸
آشنایی با شهر تهران	۳/۰۸۰۹	۰/۸۴۵۳۴
امنیت شهری کل	۳/۱۲۰۵	۰/۵۳۰۰

همان‌طور که نتایج جدول بالا نشان می‌دهد، میانگین جاذبه‌های محیط شهری ۲/۵۲، میانگین تراکم جمعیتی ۳/۵۸ و میانگین حس تعلق ۳/۲۵ و میانگین آشنایی با شهر تهران برابر ۳/۰۸ و میانگین نمره کل امنیت شهری برابر ۳/۱۲ است که همگی بالاتر از حد متوسط (طیف لیکرت ۱-۵) می‌باشند.

ب- یافته‌های استنباطی:

فرضیه اصلی: به نظر می‌رسد بین مشارکت مدنی و امنیت شهری رابطه معناداری وجود دارد.

جهت بررسی فرضیه بالا، از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که بین مشارکت مدنی و امنیت شهری همبستگی وجود دارد. مقدار این همبستگی برابر ۰/۳۶۴ که در سطح ۰/۰۰۰ معنی‌دار است.

آزمون فرضیه فرعی:

فرضیه ۱: به نظر می‌رسد بین مشارکت خیریه‌ای و امنیت شهری رابطه معناداری وجود دارد.

جهت بررسی فرضیه بالا، از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که بین مشارکت خیریه‌ای و امنیت شهری در شهر تهران همبستگی وجود دارد. مقدار این همبستگی برابر $0/389$ که در سطح $0/000$ معنی‌دار است.

فرضیه ۲: به نظر می‌رسد بین مشارکت مذهبی و امنیت شهری در شهر تهران رابطه معناداری وجود دارد.

جهت بررسی فرضیه بالا، از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که بین مشارکت مذهبی و امنیت شهری در شهر تهران همبستگی وجود دارد. مقدار این همبستگی برابر $0/187$ که در سطح $0/000$ معنی‌دار است.

فرضیه ۳: به نظر می‌رسد بین مشارکت همیارانه و امنیت شهری رابطه معناداری وجود دارد.

جهت بررسی فرضیه بالا، از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که بین مشارکت همیارانه و امنیت شهری در شهر تهران همبستگی وجود دارد. مقدار این همبستگی برابر $0/419$ که در سطح $0/000$ معنی‌دار است.

فرضیه ۴: به نظر می‌رسد بین مشارکت انجمنی و امنیت شهری رابطه معناداری وجود دارد.

جهت بررسی فرضیه بالا، از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که بین مشارکت انجمنی و امنیت شهری در شهر تهران همبستگی وجود دارد. مقدار این همبستگی برابر $0/338$ که در سطح $0/000$ معنی‌دار است.

جدول ۴: لیست متغیرهای وارد شده، خلاصه مدل و ضرایب رگرسیون برای متغیرهای پیش‌بینی کننده در تحلیل رگرسیون همزمان

مدل	R	مجذور R	مجذور R اصلاح شده	خطای استاندارد اندازه‌گیری
۱	$0/565(a)$	$0/319$	$0/311$	$0/436$

در جدول بالا مقادیر R، مجذور R، مجذور R تعدیل شده و خطای استاندارد برآورد شده است. مقدار R در جدول بالا برابر $0/565$ است و خطای استاندارد اندازه‌گیری برابر $0/436$ است.

جدول ۵: تحلیل واریانس برای معنی‌داری متغیرهای پیش‌بین (مشارکت خیریه‌ای، مشارکت مذهبی، مشارکت همیارانه و مشارکت انجمنی)

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
رگرسیون	۲۹/۷۱۰	۴	۷/۴۲۷	۳۸/۹۰۰	۰/۰۰۰ (a)
باقیمانده	۶۳/۳۹۲	۳۳۲	۰/۱۹۱		
کل	۹۳/۱۰۲	۳۳۶			

در جدول بالا نتایج تحلیل واریانس برای معنی‌داری تأثیر متغیرهای پیش‌بین نشان داده شده است. در مدل فقط مقدار تأثیر متغیرهای مستقل (مشارکت خیریه‌ای، مشارکت مذهبی، مشارکت همیارانه و مشارکت انجمنی) بر متغیر وابسته، یعنی امنیت شهری معنی‌دار است. مقدار آزمون F برابر ۳۸/۹۰۰ است که در سطح ۰/۰۰۰ معنی‌دار است.

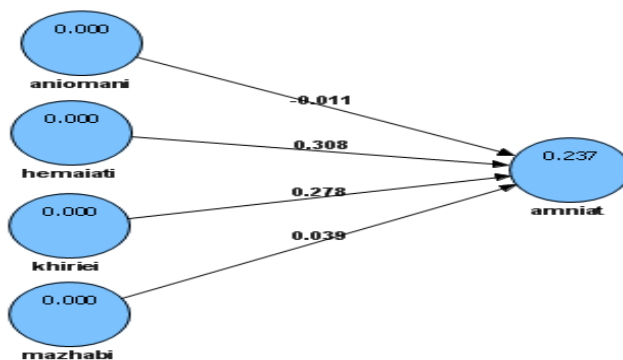
جدول ۶: ضرایب همبستگی استاندارد شده و استاندارد نشده تأثیر مشارکت مدنی بر امنیت شهری

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده آزمون t	
	B	خطای استاندارد اندازه‌گیری	Beta	سطح معناداری
مقدار ثابت	۱/۹۹۷	۰/۰۹۷	۲۰/۵۹۴	۰/۰۰۰
مشارکت خیریه‌ای	۰/۱۵۵	۰/۰۳۸	۴/۰۳۶	۰/۰۰۰
مشارکت مذهبی	۰/۰۶۷	۰/۰۲۶	۲/۵۸۲	۰/۰۱۰
مشارکت همیارانه	۰/۲۱۵	۰/۰۲۶	۸/۱۵۲	۰/۰۰۰
مشارکت انجمنی	-۰/۰۳۸	۰/۰۴۰	-۰/۰۶۵	-۰/۹۷۴

در جدول بالا ضرایب همبستگی استاندارد شده و استاندارد نشده، مقدار آماره t و سطح معنی‌داری تأثیر متغیرهای پیش‌بین بر امنیت شهری ارائه شده است. بیشترین ضریب بتا متعلق به متغیر مشارکت همیارانه با ضریب بتای ۰/۴۱۱ است. ضریب بتای متغیر مشارکت خیریه‌ای برابر ۰/۲۶۰، متغیر مشارکت مذهبی برابر ۰/۱۲۶، متغیر مشارکت انجمنی برابر ۰/۰۶۵- است.

یافته‌های تحقیق نشان داد که میانگین میزان مشارکت مدنی اکثر مؤلفه‌ها پایین‌تر از حد متوسط می‌باشند. در واقع، تنها مشارکت همیارانه که به‌زعم پاتنام نوعی درگیری اتفاقی بوده و شامل مشارکت در فعالیت‌های گروهی با فواصل نامنظم، مثل همکاری با خیریه‌هایی که در جهت کمک به محرومین و افراد خاص تشکیل می‌شود، با میانگین ۳/۲۲ بیشترین نوع مشارکت در میان شهروندان مشارکت‌کننده در پژوهش را به خود اختصاص داده است. در حالی که برخی از اشکال دیگر غیرمستقیم نظیر مشارکت فکری

(طرح، ایده و راهکار) در قالب مشارکت‌های انجمنی و یا هماهنگی و همسویی با نهادهای مسئول و اهتمام به دستورالعمل‌های مقطعی، از عوامل اساسی توانمندسازی برای تأمین امنیت است.



نمودار ۲: تحلیل مسیر تأثیر متغیرهای مستقل بر امنیت شهری

نمودار بالا نشان می‌دهد که بیشترین ضریب بتا متعلق به متغیر مشارکت همیارانه با ضریب بتای ۰/۳۰۸ است. ضریب بتای متغیر مشارکت خیریه‌ای برابر ۰/۲۷۸، متغیر مشارکت مذهبی برابر ۰/۰۳۸، متغیر مشارکت انجمنی برابر ۰/۰۱۱- است.

بحث و نتیجه‌گیری

انسان و محیطی که در آن زندگی می‌کند، کلیتی تفکیک‌ناپذیر از یکدیگر می‌باشند که این محیط و فضا، عرصه اجرای کارکردهای اجتماعی بوده و بسیاری از تعاملات اجتماعی در آن صورت می‌پذیرد. برای تداوم و بقای این تعاملات و حضور فعال مردم در این فضاها، وجود امنیت در دو بعد عینی (محیطی - رفتاری) و بعد ذهنی (احساس امنیت) به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین نیازها به شمار می‌آید. درواقع، محیط‌های شهری بنا به شرایط اجتماعی موجود، یعنی نوع شکل‌گیری فضاها، کارکرد فضاها، وجود امکانات رفاهی، تراکم، آلودگی‌های زیست‌محیط و... می‌توانند بر میزان امنیت و مشارکت مؤثر باشند.

با توجه به نتایج تحقیق، شاخص‌های کالبدی، محیطی و کارکردی امنیت شهری در مشارکت مدنی تأثیرگذار است. درواقع، فضاهای کالبدی می‌توانند رفتار مردم را عوض



کنند، یعنی با طراحی ویژه یا تمهید کالبدی می‌توان رفتار خاصی را در شهروندان تسهیل و تشویق کرد؛ همان‌طور که ترکیب مناسب کاربری‌های موجود در پهنه فضای عمومی با توجه به نوع عملکرد آن‌ها می‌تواند در میزان امنیت فضا برای فرد استفاده‌کننده مؤثر باشد. گاهی استفاده مختلط از فضاهای موجود در شهر می‌تواند حیات دوباره به بخش‌های مختلف آن بدهد و ایمنی و امنیت را به مکان‌های عمومی ببخشد و نواحی چند کارکردی در طول روز و شب شهروندان را به خود جلب کند. علاوه‌براین نیز ویژگی‌های محیطی در یک فضای شهری از جمله عواملی هستند که به رشد آسیب‌های اجتماعی در آن کمک می‌کند. در واقع، عدم رضایت شهروندان از محیط زندگی‌شان می‌تواند واکنش‌های مختلفی را همچون گسست از محیط به دنبال داشته باشد که در پی کاهش تعلق مکانی شکل می‌گیرد که پیش از آنکه هر ایده طراحانه برای حل این معضل به کار آید، باید سطح فرهنگ استفاده‌کنندگان از فضا را ارتقا داد؛ بنابراین مشهور بودن محیطی به بد یا خوب بودن، پرجمعیت و یا هر موضوع دیگری، حضور یا عدم حضور شهروندان در آن محیط را نیز به دنبال خواهد داشت و این موضوع بر میزان مشارکت مدنی تأثیرگذار خواهد بود؛ یعنی هنگامی که در محیط روابطی قاعده‌مند وجود نداشته باشد، خود یکی از عوامل ایجاد حس ناامنی محسوب می‌شود. همان‌طور که تراکم جمعیت زیاد در یک مکان عمومی اگرچه در بعضی اوقات بر میزان حضور افراد و امنیت محیط اثرگذار است، ولی در مواقعی دیگر باعث سلب آسایش و آرامش و منجر به عدم حضور گروه‌های آسیب‌پذیر در محیط می‌شود. فضاهای متراکم از انبوه جمعیت ناآشنا و غریبه محیط مساعدی را برای تخطی از قواعد و هنجارهای شهری فراهم کرده و زمینه جرم را به وجود می‌آورد.

همچنین تجربه‌های مثبت و وقایع و رخدادهایی خاص و خاطرات، همگی در ایجاد تعلق مکانی مؤثرند که موجب احساس این همانی و این همانی باعث احساس من و ما در محیط، احساس امنیت، آسودگی خاطر و اعتماد به نفس و تطبیق‌پذیری و سازگاری با فضاست؛ بنابراین با تقویت احساس تعلق شهروندان نسبت به فضاهای عمومی شهری، آنان این فضا را متعلق به خود دانسته و بدون احساس ترس، اضطراب یا خجالت از آن بهره‌برداری می‌نمایند. این تعلق وابستگی احساسی را برای آن‌ها تأمین می‌کند که باید به محله و اعضای آن متعهد و مسئول بود. با توجه به توسعه نامتوازن محلات شهری، در

فضاهای عمومی شهری افزایش ناهنجاری‌های محیطی، وجود اصوات مزاحم و تراکم جمعیت، وجود انواع آلودگی‌ها با ایجاد مناظری نامطلوب به حس آشفتگی و ناامنی در این محلات دامن زده است.

پیشنهادها

بر اساس یافته‌ها و نتایج به دست آمده، پیشنهادهای این پژوهش به شرح زیر ارائه می‌شود:

– با توجه به آنکه از یک سو، بین مشارکت مدنی و امنیت شهری ارتباط معناداری وجود دارد و از سوی دیگر، بروز و ظهور تنگناها و مشکلات در طراحی و اجرای برنامه‌های مربوط به اداره امور کلان‌شهرها ضروری به نظر می‌رسد دولت‌مردان و سیاست‌گذاران جامعه جهت پیشگیری از جرم و بزهکاری، تأمین نظم و امنیت جامعه، اجرای عدالت و... بیش از پیش رویکردهای مشارکت‌جویانه را در پیش گیرند.

– با توجه به اینکه بین مشارکت مدنی و امنیت شهری ارتباط معناداری وجود دارد، به مدیران و مسئولان شهری پیشنهاد می‌شود با استفاده از ظرفیت و پتانسیل و سازوکارهای مربوط به سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن زمینه و بستری فراهم نمایند که شهروندان در حل معضلات موجود در سطح محله مشارکت بیشتری داشته باشند، به یکدیگر در جهت امور شهری کمک نمایند و در کارهای جمعی و گروهی در سطح محله مشارکت نمایند و هرچه بیشتر در انجمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد شرکت کنند که این امر موجب افزایش مشارکت مدنی و به تبع آن امنیت شهری در بین شهروندان خواهد شد.

– با عنایت به اینکه از عوامل تأثیرگذار در مشارکت، پاداش‌های حاصله از آن و عدم مواجهه با مشکلات و موانع است، به مسئولان و برنامه‌ریزان شهری پیشنهاد می‌شود با به‌کارگیری سیاست‌های تشویقی نسبت به ترغیب شهروندان جهت مشارکت در تأمین نظم و امنیت و البته ایجاد حاشیه امنیت برای مشارکت‌کنندگان از شر بزهکاران اقدام گردد.



- شهرداری‌ها از جمله سازمان‌هایی هستند که به‌خصوص در نظم و انضباط شهری می‌توانند همکاری زیادی با پلیس داشته باشند. در اغلب کشورهای مختلف، شهرداری بستر اصلی مشارکت مردم در نظم و امنیت است. شهرداری‌ها امکانات مختلفی همچون سرای محله‌ها در اختیار دارند که به‌واسطه برخورداری از آن‌ها می‌توانند به‌طور مستقیم در افزایش انتظام شهری و مشارکت و حضور شهروندان در عرصه‌های مختلف و سیاست محله محوری سهیم باشند. همانند تعاملی که بین پلیس، حکومت محلی و شهروندان تحت عنوان شبکه‌های امنیت محلی در هلند می‌توان مشاهده کرد.
- یافته‌های تحقیق به‌طور غیرمستقیم این امر را تأیید می‌کند که مشارکت اجتماعی به دلایل گوناگون تاریخی و فرهنگی در ایران دارای تناقضی ریشه‌دار است. این تناقض نشان می‌دهد که ایرانیان در عرصه‌های غیررسمی سخت مشارکت‌جو بوده‌اند، لیکن در عرصه‌های رسمی مشارکت‌جو نیستند. این نکته معنای فنی و تخصصی مشارکت اجتماعی را با خصایص هدفمند بودن، آزادی انتخاب و... پیچیده می‌سازد و نشانگر پیش‌شرط‌ها و الزامات خاصی است که در برنامه‌ریزی و طراحی الگوهای مشارکتی در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، مدیریتی بایستی شناسایی و مدنظر قرار گیرند.
- امروزه سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد به اشکال مختلف در انتظام و امنیت جامعه (در کنار دولت‌ها) مداخله مثبت می‌کنند. تجربه این سازمان‌ها در کشورهای دیگر نشان می‌دهد فعالیت این سازمان‌ها باعث حضور بیشتر مردم در امر امداد، نوع‌دوستی، صلح و امنیت اجتماعی جامعه شده است؛ بنابراین می‌توان با مطالعه شیوه‌ها و چگونگی مشارکت این سازمان‌ها در کشورهای مختلف و فراهم کردن زمینه برای شکل‌گیری و حضور این سازمان‌ها در حوزه‌های امنیتی، سطح امنیت جامعه را در حوزه‌های مختلف ارتقاء بخشید.

منابع

- احمدی، حبیب (۱۳۸۰). «کلان‌شهرها در کشورهای درحال توسعه، زمینه‌ساز انحرافات اجتماعی». ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره اول و دوم.
- اکبری، رضا؛ پاک‌نیا، سمانه (۱۳۹۱). «تأثیر کالبد فضاهای عمومی بر احساس امنیت اجتماعی زنان». نشریه هنرهای زیبا، دوره هفدهم، شماره دوم، صص ۵۳-۶۴.
- بیرو، آلن (۱۳۶۶). «فرهنگ علوم اجتماعی». (ترجمه باقر ساخوانی)، تهران: انتشارت کیهان.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۴). «جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی زندگی عمومی در تاج‌بخش، کیان، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه». (ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان)، تهران: نشر شیرازه.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۱). «میزگرد نقش فضاهای شهری در تأمین امنیت اجتماعی». شهرداری‌ها، سال چهارم، شماره چهل و یکم.
- ثناگر دربانی، الهام؛ منصفی پراپری، دانیال؛ حاجی فتحعلی، سیاوش؛ طاهرخانی، علیرضا (۱۳۹۷). «ارزیابی احساس امنیت و پیشگیری از جرم در فضاهای عمومی مجتمع‌های مسکونی به روش دید-پناه». فصلنامه پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره دوم، (پیاپی چهل و ششم)، صص ۱-۲۸.
- چلبی، مسعود؛ امیرکافی، مهدی (۱۳۸۳). «تحلیل چند سطحی انزوای اجتماعی». مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره دوم، صص ۳-۳۱.
- خلف‌خانی، مهدی؛ شاه‌صاحبی، سید جعفر (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی مبتنی بر نهادگرایی نوین در ایجاد نظم اجتماعی پایدار». فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی زنجان، شماره یازدهم، دوره چهارم، صص ۱۳-۳۴.
- دارابی، حسن (۱۳۸۷). «دانشنامه مدیریت شهری و روستایی». تهران: سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- دال، رابرت (۱۳۶۴). «تجزیه و تحلیل جدید سیاست». (ترجمه حسین مظفری)، تهران: انتشارت کیهان.
- رضازاده، راضیه (۱۳۸۲). «شاخص‌های امن در فضاهای شهری». مجله شهرداری‌ها، سال چهارم، شماره چهل و یکم.
- رفیعیان، مجتبی؛ خدایی، زهرا (۱۳۸۹). «شهروندان و فضاهای عمومی شهری: نگرشی تحلیلی (بررسی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری)». تهران: انتشارات گسترش تولید علم.



- سهراب‌زاده، مهران؛ سعادت، موسی؛ عباسی، الهام؛ صمدزاده، حسن (۱۳۹۶). «تبیین جامعه‌شناختی رابطه بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان شهر تبریز». فصلنامه پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره ۳۸، دوره دوم، صص ۱-۲۶.
- شریعتی، سعید (۱۳۸۴). «بررسی احساس امنیت عمومی در استان خراسان». پژوهشکده اقبال، مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد.
- ضابطیان، الهام (۱۳۸۷). «شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط شهری». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- عبدی، عطاالله؛ کرمی، تاج‌الدین؛ مستجابی، حمید (۱۳۹۷). «رابطه حاشیه‌نشینی با تهدیدات امنیت ملی: نقش واسطه‌ای حس تعلق مکانی (مورد مطالعه: ماهدشت کرج)». فصلنامه پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره ۴۳، دوره سوم، صص ۱۱۳-۱۳۴.
- غفاری، غلامرضا؛ نیازی، محسن (۱۳۸۶). «جامعه‌شناسی مشارکت». تهران: نشر نزدیک.
- کارگر، بهمن؛ سرور، رحیم (۱۳۹۰). «شهر، حاشیه و امنیت اجتماعی». تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- کارگر، بهمن (۱۳۸۶). «حاشیه‌نشینی و امنیت شهری». نشریه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران، دوره جدید، سال پنجم، شماره چهارده و پانزده، صص ۱۴۸-۱۴۰.
- گروسی، اکرم (۱۳۹۱). «سرمایه اجتماعی پلیس و احساس امنیت ارائه راهبردهایی برای ارتقاء احساس امنیت اجتماعی شهروندان». فصلنامه پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره هجدهم، دوره دوم، صص ۵۱-۲۹.
- محبوبی‌منش، حسین (۱۳۸۵). «تأملی کوتاه درباره آسیب‌های اجتماعی به‌عنوان مسئله امنیت». فصلنامه دانش انتظامی، سال هشتم، شماره سوم، صص ۳۱-۹.
- ملکی، سعید؛ زادولی خواجه، شاهرخ؛ زارعی، جواد (۱۳۹۵). «ارزیابی امنیت محیطی-کالبدی در فضاهای دوگانه شهری (مورد مطالعه: کلان‌شهر اهواز)». فصلنامه پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، سال نهم، شماره چهارم، (پیاپی سی و ششم)، صص ۲۲-۱.
- نعیمی، کیومرث؛ پورمحمدی، محمدرضا (۱۳۹۶). «تبیین رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت در شهر مرزی مریوان». فصلنامه پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره سی‌ونهم، دوره سوم، صص ۱۵۲-۱۲۹.
- Breton, R (۱۹۹۷). laparticipation social et le. <http://www.canada.metropolis>.
- Day, K., Stump, C., & Carreon, D. (۲۰۰۳). Confrontation and loss of control: Masculinity and men's fear in public space. *Journal of Environmental Psychology*, ۲۳(۳), ۳۱۱-۳۲۲.

- Gaotri, H (۱۹۸۶). Popular Participation in development in Participation in development Paris: Unesco.
- Judg, R (۲۰۰۳). the difference that Gender makes social capital Gender and political participation. Eyewitness Robert University of Manitoba.
- Lerner, D. (۱۹۵۸). The passing of traditional society: Modernizing the Middle East (No. HN۶۶۰. ۸ L۴۳).
- Molinas, J. (۱۹۹۸). The impact of inequality, gender, external assistance and social capital on local-level cooperation. World development, ۲۶(۳), ۴۱۳-۴۳۱.
- Putnam, R. D. (۲۰۰۱). Bowling alone: The collapse and revival of American community. Simon and Schuster.

Archive of SID